



آینده، فرهنگ و فناوری اطلاعات

آیا فناوری اطلاعات عاملی جهت حفظ خرده فرهنگ ها در مقابل فرهنگ های ملی است؟ یا به عنوان بستری مناسب برای گفتگوی فرهنگ ها و تمدن ها مورد توجه است؟ دکتر امیر مانیان، عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، در مقاله ی زیر درصدد پاسخ و تبیین و توضیح پرسش های فوق برآمده است.

آیا فناوری اطلاعات عاملی جهت حفظ خرده فرهنگ ها در مقابل فرهنگ های ملی است؟ یا به عنوان بستری مناسب برای گفتگوی فرهنگ ها و تمدن ها مورد توجه است؟ دکتر امیر مانیان، عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، در مقاله زیر درصدد پاسخ و تبیین و توضیح پرسش ها، فقه، برآمده است.

فناوری اطلاعات را نسل دوم فناوری می نامند. فناوری که مختص جامعه فرا سرمایه داری، پست مدرن و جامعه اطلاعاتی / دانشی می باشد. فناوری اطلاعات مانند نسل نخست فناوری، ویژگی اثرگذاری و تأثیر پذیری نسبت به فرهنگ دارد.

یکی از مباحث چالش برانگیز رابطه ی فرهنگ و تکنولوژی اطلاعات است. در گذشته بسیاری از فلاسفه و اندیشمندان فرهنگی، فناوری را به عنوان یک عامل قابل بررسی در فرهنگ و تطور فرهنگی می دانستند. این دیدگاه گاهی مواقع بسیار خوشبینانه و در برخی موارد بسیار بدبینانه بوده است، البته نظرات متعادلی نیز در مورد این ارتباط دوگانه مطرح بوده است.

به عقیده ی هافستد فرهنگ عبارت است از: اندیشه مشترک اعضای یک گروه یا طبقه که آنها را از دیگر گروه ها مجزا می کند و درجایی دیگر، فرهنگ به صورت مجموعه ای از الگوهای رفتار اجتماعی، هنرها، اعتقادات، رسوم و سایر محصولات انسان و ویژگیهای فکری یک جامعه یا ملت تعریف می شود.

'گرت هافستد' بعد از مطالعاتی دریافت که چهار بعد فرهنگی وجود دارد که به کمک آن می توان چگونگی و چرایی رفتار مختلف در فرهنگهای مختلف را تشریح نمود.

هافستد در مطالعه ی خود ابعاد فرهنگ را به چهار دسته تقسیم می کند: 1- فاصله ی قدرت 2- اجتناب از عدم اطمینان 3 - فردگرایی 4 - مردسالاری

*** تعریف فناوری اطلاعات:

به کلیه ابزار و تجهیزات گفته می شود که جهت گردآوری داده، پردازش اطلاعات و انتقال داده، اطلاعات و دانش به کارگرفته می شود.

فناوری اطلاعات را به حق می توان نسل دوم فناوری نامید. آنقدر متمایز از فناوری های ما قبل خود می باشد، که عملاً بشر وارد دوران جدیدی که به آن عصر اطلاعات می گویند.

*** فرهنگ و فناوری اطلاعات

شواهد نشان می دهد که هر چه فناوری در جوامع بشری رشد می یابد از خود بیگانگی انسان و از دست دادن مفهوم اصلی حیات بشری و دوری از فطرت بیشتر نمایان خواهد گشت. این مطلب، حقیقتی است که از زبان برخی از اندیشمندان نیز با نگرشی کاملاً منفی بیان شده است.

فناوری، مبانی اخلاقی را از فرهنگ زدوده و روابط روحی و روانی انسان ها را که در حقیقت ارزش های حیات انسانی است نابود می سازد. به طور خلاصه فناوری برای ما هم دوست است و هم دشمن.

امروزه فناوری به عنوان یک ایدئولوژی است که در هر جا ظاهر می شود جهان بینی، ارزش ها و آداب و رسوم خود را دیکته می

کند.

فناوری به عنوان یک مهاجم فرهنگی، تحمیل گر ارزش ها و فرهنگ حاکم بر خود است. اگر راه را برای نفوذ آن باز گشاییم باید به تبعات آن نیز بیاندیشیم به عنوان مثال با ورود فناوری اطلاعات به عرصه تعلیم و تربیت ضمن ارائه مزایا و منافع خود مزوج فرهنگ آموزشی دیگری است که ضمن تقویت روح خود محوری روحیه آموزش جمعی را تضعیف می کند.

*** دید گاه های ارزشی نسبت به فناوری:

سه دید گاه در مورد فناوری اطلاعات از نظر ارزشی مطرح است اول آن که فناوری عین خیر است، دوم آن که فناوری عین شر است و سوم آن که فناوری خنثی و بی طرف است.

دیدگاه منفی: لویییس مامفورد را می توان به عنوان نماینده این گروه نام برد. مامفورد مدعی بود که تکنولوژی از مهار انسان خارج شده است. البته او از دیدگاه یک کارشناس هنری این نظریه را مطرح می نماید. به اعتقاد او هنر باید به نحوی آرمانی در برابر این پدیده که ماشین به تدریج صفات انسانی را نابود می کند، مقاومت ورزد.

به نظر مامفورد، هنر به بیان احوال درونی انسان و استحکام بخشیدن به پیوندهای اجتماعی می پردازد. هنر بیان عشق است و فن تجسم قدرت، هنر، ذهنی است اما فن، عینی. هنر انداموار است و فن، ماشینی، مکانیکی. کنداکو در شخصیت، قلمرو هنر است و تسلط بر طبیعت، هدف فن. فن به طور عمده، به گسترش قدرت انسان (در محیط زیست خارجی) مربوط می شود. غیر شخصی بودن و نظم و تکرار و دقت مکانیکی و کارایی و اعتبار و یکسانی: این صفات، ارزش های مربوط به فن هستند. به نظر مامفورد، معضل بزرگ عصر حاضر متعادل ساختن ادعاهای هنر و فن و احیای تمامیت انسان با تأکید مجدد بر نیازهای زندگی معنوی و احیای قدرت های نمادسازی بشر است. وسواس ما به ماشین باید از بین برود و خفقانی که زندگیمان را احاطه کرده است باید کاهش یابد.

دیدگاه مثبت: در مقابل برخی از اندیشمندان نسبت به فناوری نظری کاملاً خوشبینانه دارند، جان کیج موسیقیدان آمریکایی از جمله آنها می باشد.

بسیاری از دانشمندان دید گاه سوم را قبول دارند یعنی نیکی و بدی در ذات فناوری وجود ندارد بنابراین نه ذاتاً خیر است و نه شر و می توان آن را در راه خیر و شر به کار برد.

*** تأثیرگذاری و اثرپذیری فناوری اطلاعات و فرهنگ

الف - حریم خصوصی

گسترده شدن فناوری اطلاعات بخصوص ورود اینترنت به جامعه بشری یکی از مباحث بسیار مهم 'تعرض به حریم خصوصی' شهروندان (در سطح کلان) و نیروی انسانی (در سطح سازمان ها) می باشد.

با توجه به اینکه لازمه دریافت بسیاری از خدماتی که شهروندان از کسب و کار و دولت ها مستلزم در اختیار قرار دادن اطلاعات شخصی آنها می باشد. این امر باعث گردیده، اطلاعات بسیار زیادی از شهروندان عملاً در روی شبکه ها قرار داشته باشد و این باعث سوء استفاده می گردد.

از طرفی دولت ها و سازمان ها با فناوری موجود قادر خواهند بود به راحتی شهروندان و نیروی انسانی خود را رصد نمایند. از طریق شنود، صندوق پست الکترونیکی، گپ و گفتگو مشخص می شود یک شهروند به کجا سفر کرده، چه مدت در آنجا اقامت داشته، به چه کسانی ایمیل زده و یا دریافت کرده و محتوی آن چه بوده است، چه کتابی از کتابخانه گرفته، چه فیلمی در سینما دیده و مانند آنها. شاید بتوان گفت به این اندازه به حریم خصوصی بشر تعرض نشده است. می توان به نوعی این امر را با استعاره ی فوکو یعنی زندان سراسر بین Panopticon مقایسه کرد که زندانبان همه زندانیان را می بیند در حالیکه خود دیده نمی شود.

ب - از خودبیگانگی

جنبه مثبت از خودبیگانگی

واژه ی از خودبیگانگی در طول تاریخ گاهی مفهومی با بار ارزشی مثبت و گاهی نیز بار ارزشی منفی و ضد ارزش داشته است. آنچه در محافل علمی و فرهنگی مطرح و در اینجا مدّ نظر است، کاربرد منفی آن است. اما به دلیل اینکه در گذشته این واژه بیشتر با بار ارزشی مثبت مورد استفاده قرار گرفته است، اشاره ای کوتاه به معنای مثبت آن می کنیم.

الیناسیون یا از خودبیگانگی به معنای مثبت یعنی وارستن از خود یا از خود بی خود شدن است. از این رو، به معنای خلسه یا وجد و حال عرفانی است.³ اگر الیناسیون را به این معنا در نظر بگیریم، در واقع یک روش عرفانی (mystic) است برای رسیدن به دانش حقیقی. در این صورت، در مقابل روش عقلانی قرار می گیرد.

از خود بیگانگی و جامعه:

به نظر مارکس تاریخ نوع بشر جنبه ای دوگانه دارد، یعنی از یک سوی تاریخ نظارت آفریننده انسان بر طبیعت است و از سوی دیگر تاریخ از خودبیگانگی هر چه بیشتر انسان است. از خود بیگانگی به وضعی اطلاق می شود که در آن انسان ها تحت چیرگی خود آفریده شان قرار می گیرند و این نیروها به عنوان قدرت های بیگانه در برابرشان می ایستند به عقیده مارکس همه نهادهای عمده جامعه سرمایه داری از دین و دولت گرفته تا اقتصاد سیاسی، دچار از خودبیگانگی اند و انگی این جنبه های گوناگون از خود بیگانگی وابسته به یکدیگرند.

عینیت بخشی کار از خود بیگانگی است. پس انسان در همه نهادهایی که گرفتارشان شده است با از خود بیگانگی روبرو است اما به نظر مارکس از خود بیگانگی در محل کار از همه بیشتر اهمیت دارد. زیرا انسان به عقیده او گذشته از هر چیز دیگر یک انسان سازنده است. بر خلاف صورت های دیگر از خود بیگانگی، از خود بیگانگی اقتصادی نه تنها بر اذهان انسان ها بلکه در فعالیت های روزانه شان نیز رخ می نماید. از خود بیگانگی مذهبی تنها در عرصه آگاهی و در زندگی درونی انسان رخ می دهد، اما از خود بیگانگی اقتصادی به زندگی واقعی باز بسته است... و از همین روی بر هر دو جنبه ی زندگی تأثیر میگذارد .

- انواع از خود بیگانگی :

از خود بیگانگی در قلمرو کار چهار جنبه دارد: انسان از محصولی که تولید می کند، از فراگرد تولید، از خودش و سرانجام از اجتماع همگانش بیگانه می شود. به هر روی از خود بیگانگی تنها نه در نتیجه تولید بلکه در فراگرد تولید و در چهارچوب خود فعالیت تولیدی نمایان می شود... اگر محصول کار از خودبیگانگی است خود تولید نیز باید یکنوع از خود بیگانگی فعال باشد.

از خود بیگانگی محصول کار تنها بیانگر از خود بیگانگی در خود فعالیت کار است. انسانی که از محصولات کارش و از فراگرد تولید بیگانه میشود، از خودش نیز بیگانه می گردد. او دیگر نمی تواند جنبه های گوناگون شخصیتش را به گونه ای کامل پیرواند کارگر در حال کار نه به خودش بلکه به شخص دیگری تعلق دارد.

کارگر با فعالیت خودش در چنان ارتباطی است که کارش را بسان چیزی بیگانه و نه متعلق به خودش می انگارد و فعالیتش را رنج (انفعال) نیرویش را بی قدرتی و خلاقیتش را به عنوان عدم مردانگی اش تلقی می کند.

- نظرات اندیشمندان ایرانی

برخی متفکرین مسلمان ایرانی نیز درمورد از خود بیگانگی نظراتی را مطرح نمودند. با این تفاوت که مارکسیستها از خود بیگانگی را در قالب دیدگاه اقتصادی دیدند ولی متفکرین ایرانی مانند دکتر شریعتی ، دکتر عنایت و جلال آل احمد سعی کردند از قالب اقتصادی آن خارج و به سوی فرهنگی جهت دهند.

- فناوری اطلاعات و از خودبیگانگی

از خود بیگانگی که مارکس و مانند او مطرح می کنند ، به عامل تولید (عمدتا کارگر) مربوط می گردد. در حالیکه از خودبیگانگی در عصر اطلاعات عمدتاً متوجه مصرف کنندگان و یا به عبارتی کل جامعه اطلاعاتی می گردد. از خود بیگانگی از فضای صرف تولید عبور کرده و شامل کل جامعه اطلاعاتی شده است. (یعنی) از خود بیگانگی به گستردگی کل جامعه بشری.

ج - فناوری اطلاعات ، فرهنگ فرا ملی ، فرهنگ ملی و خرده فرهنگ

از بحث های بسیار چالشی در ارتباط با فناوری اطلاعات و فرهنگ مربوط به ارتباط فناوری اطلاعات و مقوله فرهنگ فرا ملی ، ملی و خرده فرهنگ هاست.

با آمدن اینترنت و سهولت ارتباطات یکی از مسائل مهم فرهنگ های ملی و ادغام آنها در فرهنگ فرا ملی (فرهنگ انگلوساکسون) می باشد. بسیاری از افراد در کشورهای مختلف از طریق شبکه های کامپیوتری با زبان انگلیسی امکان ارتباط با یکدیگر پیدا کرده اند. و این امر به زعم برخی امکان سلطه ، فرهنگ انگلوساکسون را فراهم نموده است.

این مسئله فقط اختصاص به کشورهای در حال توسعه ندارد . کشورهای توسعه یافته بسیاری همانند فرانسه و آلمان نیز در مورد کم رنگ شدن زبان و فرهنگ خود در برابر زبان انگلیسی و فرهنگ انگلوساکسون احساس نگرانی می کنند و در بلند مدت ترس حل شدن فرهنگ ملی خود در فرهنگ فرا ملی را دارند.

برخی صاحب نظران نظراتی اگر نگوئیم متضاد، لاقلاً متفاوت را مطرح می کنند. جیانی و اتیمو ، فیلسوف ایتالیایی استدلال می کند که رشد و بالندگی رسانه ها برای گروه ها، مناطق و ملت های گوناگون در جهان فرصت سخن گفتن ایجاد کرده است، به آن اندازه که مخاطبان نمی توانند از رویارویی با 'واقعیت ها' و 'چشم اندازهای' مختلف نسبت به امور و رویدادها پرهیز کنند.

امروز 'اقلیت های گوناگون دارای بلندگو هستند'. تفاوت ها به عنوان واقعیت های چند گانه (جنسیت، مذهب، فرهنگ، زیبایی شناسی...) در رأس امور جامعه قرار گرفته و توجه همه را به خود جلب کرده و فرصت یافته اند تا در امواج رادیو تلویزیونی زمان زیادی را اشغال کنند. (نظریه های جامعه اطلاعاتی-ص 384، 385)

پیتدر اکر (اندیشمند مدیریت) بیان می کند : لزوماً استفاده از اینترنت و شبکه های رایانه ای موجب اضمحلال فرهنگ های ملی و ادغام آنها در فرهنگ فرا ملی نمی گردد. حتی شبکه های رایانه ای می تواند باعث حفظ و توسعه خرده فرهنگ ها می شود.

در بسیاری از کشور ها یکی از چالش ها جذب و ادغام خرده فرهنگ ها در فرهنگ ملی می باشد. این روند همچنان ادامه دارد. عملاً در قرن بیستم ما شاهد از میان رفتن بسیاری از خرده فرهنگ ها ، زبان ها و گویش های محلی می باشیم.

این روند همچنان ادامه دارد. فناوری اطلاعات به خصوص اینترنت این امکان را فراهم نموده که حداقل این خرده فرهنگ ها اگر چه در فضای حقیقی امکان حیات را نداشته باشند ولی در فضای مجازی این امکان برای آنها وجود داشته باشد. افراد بسیاری وارث یک خرده فرهنگ در سطح یک کشور و جهان می باشند. آنها می توانند از طریق ایجاد وب سایت امکان ارتباطات ، گفتگو ، آموزش زبان ، گویش ، آداب و رسوم فراموش شده و یا در حال فراموشی ، خرده فرهنگ خود را احیا نمایند.

د - شبکه اجتماعی

شبکه های اجتماعی از تحولاتی است که ادغام فناوری اطلاعات و ارتباطات فراهم نموده است. در ابتدا این فناوری ارتباط دو نفری و دو طرفه را از پست الکترونیکی فراهم نمود و سپس از طریق شبکه های اجتماعی امکان ارتباط گروهی بوجود آمد.

اجتماع ها communities بر مبنای ترجیحات، علاقه ها، ویژگی های جامعه شناختی (جنسیت، سن، درآمد و...) در فضای مجازی ایجاد می گردد. این اجتماع ها فارغ از مکان ها و کشورها می باشند، در صورتیکه در گذشته این امر امکان ناپذیر بود.

ه- واقعیت مجازی

انسان ها از گذشته دور به دلایل گوناگون از مدل سازی و شبیه سازی استفاده می کردند. شبیه سازی با استفاده از رایانه شکل جدیدی به خود گرفته است. واقعیت مجازی بکارگیری رایانه در مدل سازی و شبیه سازی می باشد. علاوه بر کاربری های متنوع واقعیت مجازی در آموزش، سلامت، سرگرمی و بازی، اثرات گسترده اجتماعی و فرهنگی در حال حاضر و آینده خواهد داشت.

وجود سایت هایی که به نحوی واقعیت مجازی را در قالب دنیای مجازی ارائه میدهند. افراد بسیاری عملاً شهروندان این دنیاهای مجازی هستند. افراد با ارائه هویت خود ساخته که در خیلی از موارد متفاوت از هویت واقعیشان می باشد، در این دنیای مجازی حضور دارند. این هویت را 'آواتر' می گویند. انسان ها دارای چند هویت می باشند، که یکی از آنها واقعی می باشد. البته این نیز قابل توجه می باشد، کدام واقعی است. آیا آنجائیکه چند ساعتی کار می کند، غذا می خورد، راه می رود و... واقعی است. یا در دنیایی که با هویت خود ساخته انتخاب کرده، چندین ساعت مفید در طول شبانه روز را به آن اختصاص می دهد. ارتباط انسان ها از طریق چه دنیایی است.

*** نتیجه گیری

دو مقوله فرهنگ و فناوری همیشه رابطه متقابل داشته اند. اثر گذاری و تأثیر پذیری ارتباط بین این دو می باشد. البته با نسل جدیدی از فناوری روبرو هستیم، یعنی فناوری اطلاعات. دیدگاه های گوناگون نسبت به فناوری اطلاعات وجود دارد. اما وجه مشترک همه ی آن ها اهمیت و اثرگذاری آن بر فرهنگ می باشد. حریم خصوصی، از خودبیگانگی، شبکه اجتماعی، واقعیت مجازی از جمله ی این اثرگذاری می باشد. هر فرهنگی می بایست با توجه به ویژگی های خود با فناوری اطلاعات ارتباط برقرار نمایند.

منابع:

محمد عمید، فرهنگ عمید

کاتلین وودوارد، مترجم محمد سیاهپوش، هنر و فن 'جان کیچ و الکترونیک و بهبود جهان'، فرهنگ و تکنولوژی (مجموعه مقالات) ارغنون 1، چاپ دوم، تهران، 1383

فرانک وبستر، ترجمه اسماعیل قدیمی، اطلاعات و پست مدرنیسم نظریه های جامعه اطلاعاتی - ص 384، 385 انتشارات قصیده سرا، چاپ دوم، تهران، 1383